کتاب بهانهٔ گفت‌وگو است



راهکارهایی برای ایجاد گروه‌های کتاب‌خوانی در کلاس علوم اجتماعی

مرجان میرغفاری

مقدمه

در فضای آموزش رسمی، معمولاً کتاب‌خوانی امری فردی و در سکوت تلقی می‌شود. این تصویر قطعاً برای خیلی از ما آشناست که دانش‌آموزی در کتابخانه یا گوشه‌ای از کلاس مشغول خواندن است. اما تجربه‌های تازه‌ای در سال‌های اخیر شکل گرفته‌اند که به ما نشان می‌دهند، کتاب‌خوانی می‌تواند از یک فعالیت انفرادی به یک کنش اجتماعی تبدیل شود. در چنین تجربه‌هایی، خواندن کتاب بهانه‌ای برای شکل‌گیری گفت‌وگو، تعامل، همدلی و یادگیری جمعی است.

این مقاله تلاش کرده است بر اساس تجربه‌های موفق و تحلیل‌های جامعه‌شناختی، نشان دهد چرا و چگونه می‌توان گروه‌های کتاب‌خوانی را به کلاس علوم اجتماعی آورد، و چه فایده‌هایی برای معلم و دانش‌آموز دارد.

چرا کلاس علوم اجتماعی بهترین فضا برای کتاب‌خوانی گروهی است؟

درس علوم اجتماعی، برخلاف درس‌های حافظه‌محور، بستری است برای گفت‌وگو، تحلیل، تفکر انتقادی و تقویت حس مسئولیت اجتماعی که اضافه کردن «کتاب‌خوانی گروهی» به این فضا، می‌تواند آن را از یک درس نظری (تئوریک) به یک تجربهٔ زندگی واقعی تبدیل کند. تقویت مشارکت و گفت‌وگو بین دانش‌آموزان، ایجاد فضا برای درک تفاوت‌ها و تمرین همدلی، بسط مفهوم‌های جامعه، هویت، اخلاق، عدالت، مسئولیت و... از دل روایت‌ها و تقویت مهارت شنیدن و دیدن دیگری، از مهم‌ترین مزیت‌های این اتفاق هستند.

چند ویژگی کتاب‌خوانی گروهی

۱. صمیمیت و تعلق

در گروه افراد صحبت می‌کنند و به احساس و فکر می‌پردازند. گروه‌های کتاب‌خوانی فرصتی فراهم می‌کنند تا نوجوانان توانایی خود را برای خواندن، استدلال‌کردن و شنیدن دیگری ارتقا دهند.

اما چطور می‌توان فضای غیررسمی کتاب‌خوانی را در فضای رسمی آموزش گنجاند؟ یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها ایجاد فضایی صمیمی و امن برای دانش‌آموزان است. معلم هم باید در نقش تسهیلگر بکوشد هر دانش‌آموزی بتواند بدون نگرانی از «غلط‌بودن»، حرفش را بزند؛ حتی یک جملهٔ ساده مثل: «کسی دوست داره نظر بده؟» می‌تواند آغازگر تعلق باشد.

۲. تجربهٔ روابط گرم اجتماعی

وقتی این گروه‌ها استمرار می‌یابند، دوستی‌ها عمیق می‌شوند و شبکه‌ای از پیوندها به افراد احساس حمایت و داشتن پشتوانهٔ اجتماعی می‌دهد. دانش‌آموزان در جریان گفت‌وگو، نسبت به یکدیگر مثل خانواده‌ای کوچک مسئولیت پیدا می‌کنند. به طور حتم پیاده‌کردن چنین راهبردی، نه تنها برای معلمان که موظف به تدریس تمامی سرفصل‌های مشخص توسط آموزش‌وپرورش هستند، سخت است، بلکه پذیرش آن برای دانش‌آموزان نوجوان در ساختار رسمی مدرسه نیز دشوار است. اما بر اساس تجربهٔ گروه‌های کتاب‌خوانی چه باید کرد؟

معلمان می‌توانند در جلسه‌های کتاب‌خوانی، به جای پرسیدن سؤال‌های امتحانی، سؤال‌های احساسی بپرسند: «اگر جای شخصیت داستان بودی، چه می‌کردی؟» یا: «این داستان بهت چه حسی داد؟» این نوع پرسش‌ها دانش‌آموزان را به شنیدن نظرات متفاوت تشویق می‌کند و تفاوت نظر را به جای تهدید، به عنوان فرصتی برای درک دیگران تجربه می‌کنند.

۳. رشد فکری و تفکر انتقادی

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای کتاب‌خوانی گروهی، تقویت تفکر انتقادی است. دانش‌آموزان در فضایی آزاد تمرین می‌کنند که بیندیشند، تحلیل کنند، مخالفت ورزند، و در عین حال با هم

دوست بمانند.

در مدرســـه چه کنیم؟ به دانش‌آموزان بیاموزید که نقد نظر، با نقد شخص فرق دارد. از آن‌ها بخواهید دلایلشان را توضیح دهند، نه فقط نظراتشان را. از مهارت‌های استدلال، گفت‌وگو، شنیدن و بازفهمی استفاده کنید.

مانع‌ها و چالش‌هایی که باید شناخت

اجرای کتاب‌خوانی گروهی در مدرسه همیشه ساده نیست. برخی مانع‌های مهم آن عبارت‌اند از:

- مقاومت از طرف برخی اولیا که ممکن است محتوای کتاب را مناسب ندانند.
- فشار نمره‌محور نظام آموزشی که برای فعالیت‌های آزاد زمان کمتری می‌گذارد.
- تـــرس برخی دانش‌آموزان از اینکه هنگام صحبت‌کردن، مورد قضاوت یا تمسخر قرار گیرند.

اما راهکار چیست؟

- از کتاب‌های ساده، آشنا و بدون حساسیت سیاسی / فرهنگی استفاده کنید.
- اگر امکانش نیست جلسه‌ای جدا از ساعت رسمی برگزار شود، بخشی از ساعت کلاس را به گفت‌وگو اختصاص دهید
- الگوی گفت‌وگو را از ابتدا به بچه‌ها آموزش دهید. (مثلاً با قوانین: «حرف هم‌دیگه رو قطع نکنیم»، یا: «نظر کسی رو مسخره نکنیم»).

اگر به‌دنبال شروع این مسیر هستید، نگران نباشید. کار را می‌توان با قدم‌های کوچک آغاز کرد:

گام اول: انتخاب کتاب مناسب. کتاب‌هایی کوتاه، روایت‌محور و دارای ارتباط با زندگی نوجوانان انتخاب کنید؛ کتاب‌هایی مثل داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی، بخشی از شازده کوچولو، و داستان‌های بومی از فرهنگ محلی.

گام دوم: طراحی جلسه‌های ســـاده. جلسه را با یک سؤال باز شـــروع کنید. از بچه‌ها بخواهید جمله یا صحنه‌ای را که دوست داشتند بخوانند و اجازه بدهید گفت‌وگو مسیر خودش را پیدا کند. معلم فقط جهت‌دهنده است.

گام سوم: فعالیت‌هـــای مکمل؛ مانند نوشتن نامه به شخصیت داستان، خلاصه‌نویسی خلاق، کشیدن نقاشی یا تصویر ذهنی از داستان، ساخت پادکست، اجرای نمایش یا ساخت پوستر.

به عنوان نمونه فرض کنید کتاب «خمره»، از **هوشنگ مرادی کرمانی** را می‌خواهید با دانش‌آمـــوزان بخوانید. بعد از خواندن، می‌توانید این پرسش‌ها را مطرح کنید:



- اگر جای بچه‌های کلاس بودی، با خمره چه‌کار می‌کردی؟
- آیا تا حالا چیزی که برایت مهم بوده شکسته است؟ واکنشت چه بوده است؟
- آیا می‌تونی خمره‌ای در زندگی‌ات پیدا کنی؛ چیزی یا کسی که دوست نداشته‌ا ی خراب شود؟

همین گفت‌وگوهای ساده، هم مهارت بیان را تقویت می‌کنند، هم نگاه اجتماعـــی را، و به دانش‌آموزان فرصتی می‌دهند در این همراهی، مشـــارکت‌پذیری را نیز تمرین کنند. تجربهٔ گروه‌های غیررسمی کتاب‌خوانی خارج از ساختار مدرسه نشان داده است، اجرایی‌کردن آن در فضای رســـمی آموزش نیز می‌تواند عملیاتی شـــود؛ زیرا ایجاد گروه‌های کتاب‌خوانی در کلاس علوم اجتماعی، فقط یک روش جدید تدریس نیســـت؛ می‌تواند یک نگاه تازه به آموزش باشد. نگاهی که در آن، دانش‌آموز صرفاً مخاطبِ مطالب درسی نیست، بلکه بازیگر اصلی یک تجربهٔ جمعیِ یادگیری است.

کتاب‌خوانی گروهـــی، بدون نیاز به بودجهٔ زیاد، امکانات خاص یا روش‌های پیچیده، این فرصت را در اختیار معلمان قرار می‌دهد که فضای کلاس را زنده‌تر، انسانی‌تر و اخلاقی‌تر کنند. دانش‌آموزان از خلال خواندن، گفت‌وگو، شنیدن و هم‌فکری، نه‌تنها مفهوم‌های علوم اجتماعی را بهتر درک می‌کنند، بلکه برای ورود به جامعه‌ای متنوع، گفت‌وگومحور و چندصدایی آماده می‌شوند. در جهانی که نوجوانان ما هر روز با انبوهی از اطلاعات، فشارهای روانی و بحران‌های هویتی مواجه‌اند، کتاب و گفت‌وگو می‌تواند نقش پناهگاه و قطب‌نما را داشته باشد و امکان تمرین زندگی جمعی را فراهم آورد.

حتی اگر فضای مدرسه پر از محدودیت باشد، معلم می‌تواند از دلِ همین محدودیت‌ها و گفت‌وگویی کوچک، یک تجربهٔ ســـادهٔ مشارکت یا حس تعلق را برای دانش‌آموزان خلق کند. شروع این مســـیر نیازی به تغییرهای عظیم ندارد. کافی است معلم تصمیم بگیرد هر هفته چند دقیقه از کلاس علوم اجتماعی را به یک کتاب، یک گفت‌وگو یا حتی یک سؤال خوب اختصاص دهد.

در نهایت آنچه باقی می‌ماند، نه فقط کتابی است که خوانده شده، بلکه ارتباط‌هایی اســـت که شکل گرفتند، ذهن‌هایی است که به فعالیت پرداختند، و دل‌هایی است که به هم نزدیک شدند.